

من اذیتش کردم؟؟ من چیکارش کردم؟؟ مگه من شوهرش بودم که بخوام اذیتش کنم

تو خودت اذیتش میکردی و باهش سر ناسازگاری داشتی به من چه اخه؟؟ عجب حرفایی میزنیا حالا که خیلی ناراحتی برو برش گردون

دستی تو موهام کشیدم دستی تو موهام کشیدم و رفتم تو اتاقم.

یه روزی من از دست کارای مامان روانی میشدم.

نفسمو کلافه بیرون دادم که همون موقعه گوشیم زنگ خورد

جواب دادم اما بی هیچ حرفی قطع کرد. بیخیال گوشی رو پرت کردم که رو تخت که باز زنگ، خورد

باز برداشتم که بی هیچ حرفی قطع کرد

همون لحظه یه اس ام اس اومد که نوشته بود گندم!

با شنیدن اسم گندم صاف سر جام نشستم. یعنی گندم بود؟؟؟ فوری تایپ کردم: گندم چی؟؟؟

ولی جواب نداد

زنگ زدم جواب نداد... مخم داشت سوت میکشید نکنه گندم بود؟؟؟

نکنه گندمن برگشته؟؟؟ کلافه دستمو تو موهام فرو بردم
بالای صدتا بار پیام و زنگ زدم اما همش بی جواب موند.

وای اگه گندم زنده باشه.... نفسمو کلافه بیرون دادم و با پا رو زمین ضرب گرفتم

اگه گندمه پس چرا گوشیشو خاموش کرد و مثله ادم حرف نزد؟؟؟
اون بالای ۱۰۰ بار زنگ زدم اما جواب نداد و خاموش بود داشتم دیوونه میشدم

من این همه مدت دنبالم گندم بودم وای اگه زنده باشه این بار دیگه نمیذارم یه لحظه
هم ترکم کنه

این بار دیگه نمیذارم از پیشم تگون بخوره

گندم دیگه ماله خودمه! خوده خودم!
ناخداگاه به عکسای قدیمی که ازش گرفته بودم نگاه کردم ته دلم قنچ رفت براش.

وای که چقدر زیبا و خواستنی بود. چقدر دلم میخواستش! چقدرم برای اون چشپای
معصومش تنگ شده بود. نمیدونم چرا ناخداگاه یاد چشمای زیبا افتادم

چرا انقدر چشماتشون شبیه هم بود؟؟ چرا معصومیتی که تو چشمای گندم بود تو زیبا
هم بود؟؟ انقدر باید شبیه هم باشند

نفسمو کلافه بیرون دادم. مخم داشت هنگ میکردم هر چقدر رو عکس گندم بیشتر زدم میکردم بیشتر متوجه شباهتشون به هم دیگه میشدم

ته چهره شون مثله هم بود فقط لبای زیبا درشت بود و دماغشم عملیه
اما صورت زیبا یه جوری بود ادم حس میکرد صورتش حالت عادی نداره و مثله سوخته

البته باید خیلی بهش دقت میکردی تا متوجه بشی! انقدر غرق در عکس دیدن گندم بودم که زمان از دستم در رفت و وقتی به خودم اومدم دیدم ساعت ۳ هست که باز یه اس ام دیگه برام اومد

"اگه گندم زنده باشه چیکار میکنی؟!" با همین حرفش دلم هری پاره شد. این دیگه کیه

"تو کی هستی؟؟ گندمو از کجا میشناسی؟!" -

بعد از چند دقیقه جواب داد: "مراقب گندم باش خیلی نزدیکه بهت!" با خوندن حرفش قهقهه ایی سردادم یاد فیلم جنایا افتادم این دیگه چه جود بازی بود؟؟؟

جوابشو ندادم ، چرا باید دقیقا روز طلاقم بیاد این حرفا رو بزنه؟؟؟ معلومه یکیه که کرم داره و میخواد ازار و اذیت برسونه

جوابشو ندادم و شماره شو تو بلاک لیست گذاشتم

و سعی کردم بخوابم. اونم چه خوابی همش یاد گندم میوفتادم

و خاطرات گذشته برام زنده شد. یعنی کار کدوم ادم بیشعوری بود که گندمو ازم دور کرد؟؟؟

خواب دیدم تو روستام گندم هم دانش آموزمه بی توجه به بچه های کلاس بهش نزدیک میشدم

که از رو صندلی بلند شد و داد زد: به نزدیک نشو تو یه ادم اشغالی که ازم سواستفاده میکنی

داد و هوار راه انداخته بود و فوش میدد سعی میکردم ارومشی کنم

که یهو مادرش از پشت یکی از صندلی ها بلند شد

و داد زد: چرا دخترمو ازم گرفتی؟؟ هیچ وقت حلال نمیکنم!